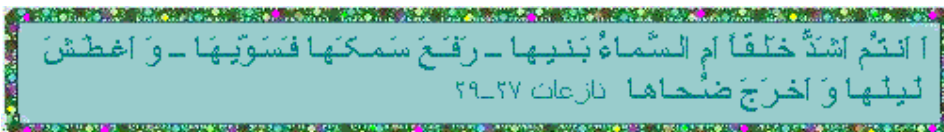
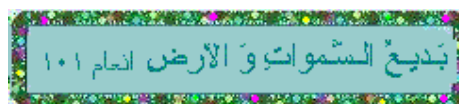


منظومه شمسی

آفرینش منظومه شمسی



«آیا آفرینش شما مشکل تر است یا منظومه شمسی؟ جوانب آن را بهم آورده غلظت آنرا بالا برد و آنرا ساخت - و شب و روز را برای آن درست کرد!»
 (واژه «سَمَك» به معنی: غلظت و تراکم و کلفتی بهم برآمده است. یعنی جمع و جور و کلفت و متراکم شده. و واژه «رَفَعَ» در آیه نیز به معنی: "بالا بردن و افزایش دادن" است که از معانی آن است).

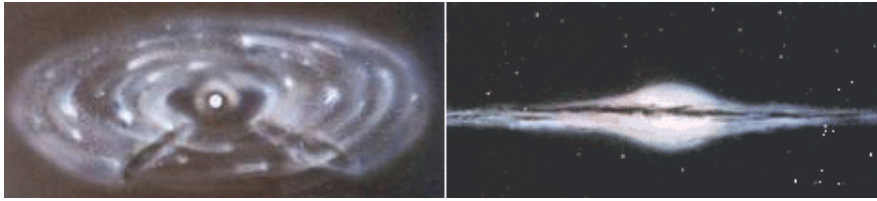


« زمین و سیارات را نوآوری نمود».

نکات آیات: ۱- بالا بردن غلظت منظومه شمسی و درست کردن آن. ۲- مرده بودن و دوباره پا گرفتن منظومه شمسی. ۳- درست کردن شب و روز برای منظومه شمسی.

۱- بالا بردن غلظت منظومه شمسی و درست کردن آن:

منظومه شمسی ما در ابتدا ابر بوده که شامل دود و گاز و خاکستر و غبار و برخی عناصر بوده، و در فضای منظومه شمسی پراکنده بوده است. بعد بادی که ظاهراً موج ناشی از انفجار ستاره ای بوده ابعاد و جوانب آن را بهم آورده و منظومه شمسی بصورت یک دیسک در آمده بوده که بدور خود می چرخیده است. بعد در قسمت مرکزی آن ابر که کلفت تر بوده، نیروی جاذبه مواد بیشتری را جذب نموده و خورشید شکل گرفته است.



و در اطراف آن
حلقه های دیگری
از گاز و غیره به
چرخش در آمده که

رفته رفته به کره های بزرگتری تبدیل شده اند که همان سیارات فعلی منظومه شمسی باشند.

در سوره انبیاء آیه ۵۶ می خوانیم: «رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ» آفریدگار شما آفریدگار سیارات و زمین است که آنها را از درون (از مرکز) درست کرد!

«فطر» از جمله به معنی: "از درون و مرکزیت خود برآمدن، شکل گرفتن، و درست شدن" است. هر کره ای نیز وقتی می خواهد درست بشود، در ابتدا در مرکز آن نیروی جاذبه آغاز به جذب مواد بدور خود می کند و رفته رفته بزرگ و بزرگ تر می شود و به این شکل کره شکل می گیرد.

۲- مرده بودن و پا گرفتن منظومه شمسی:

کسانی که به خدا معتقد نبوده و نیستند از جمله می گفته اند و می گویند که: وقتی ما می میریم دیگر زنده نمی شویم. خدا زنده نمودن موارد گوناگونی را در قرآن برای آنها مثال زده است. در اینجا زنده نمودن منظومه شمسی را مثال زده و گفته: آیا آفرینش شما مشکل تر است یا منظومه شمسی؟ این به این معنی است که منظومه شمسی مرده بوده و دوباره به حیات و زندگی برگردانده شده است.

و در آیه ۱۰۱ سوره انعام نیز گفته که خدا بدیع زمین و سیارات است. بدیع بمعنی: نوآر، نوآور، نوین پرداز و مواردی از این قبیل است (هم خانواده واژه «ابداع» است). و این موضوع از جنبه ضمنی و تلویحی به این معنی است که زمین و سیارات پیش از این چیز دیگری بوده اند و وضعیت فعلی آنها، شکل نوآوری شده آنست.

منظومه شمسی در واقع در اصل جرم و انرژی مربوط به لاشه یک ستاره بسیار بزرگ گول آسائی بوده که مرده و لاشه آن بصورت ابر در فضای منظومه شمسی پراکنده شده بوده است. و منظومه شمسی فعلی نوآوری آن است.

۳- درست کردن شب و روز برای منظومه شمسی:

منظور از شب و روز درست کردن برای منظومه شمسی شب و روز درست کردن برای سیارات آنست. و شب و روز در سیارات ناشی از گردش آنها بدور خود و وضعیت محور آن نسبت به خورشید است. وقتی محور سیاره به موازات خورشید قرار می گیرد با چرخش سیاره بدور خود باعث ایجاد شب و روز می شود. ولی در صورتی که محور زمین یا هر سیاره دیگری عمود بر خورشید قرار می گرفت شب و روز ایجاد نمی شد هر چند سیاره بدور خود نیز می چرخید. مثلاً اگر قطب شمال زمین رو به خورشید می بود قطب شمال همیشه روز می بود و قطب جنوب همیشه شب، هر چند زمین بدور خود نیز می چرخید.

مطرح کردن "درست کردن" شب و روز برای منظومه شمسی برای استدلال به حساب و کتاب داشتن و برنامه ریزی شده بودن ایجاد "شب و روز" در آنست. و این چیزی است که با علم نجوم عصر محمد که در آن زمین مرکز عالم بود و خورشید بدور آن می چرخید نمی خواند. چون در صورت گردش خورشید بدور زمین ایجاد شب و روز امری طبیعی می نمود، ولی در صورت گردش زمین بدور خود و بدور خورشید است که در صورت قرار نگرفتن درست محور زمین و سیارات نسبت به خورشید شب و روز در آنها ایجاد نخواهد شد.

فاصله گرفتن سیارات و زمین از همدیگر

«آیا کسانی که بخدا ایمان ندارند نمی توانند ببینند که زمین و سیارات منظومه شمسی در آغاز "بهم چسبیده" بودند بعد آنها را با نیرو از هم باز کردیم»؟

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا رعد ۲

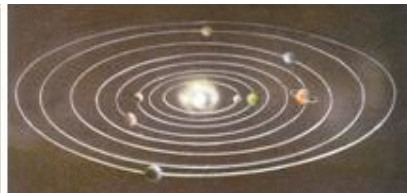
«خدا آنست که سیارات منظومه شمسی را با ستونهایی که آنها را نمی بینید بلند کرد.»

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ رَحمن ۷

«و سیارات منظومه شمسی را بلند کرد و در آن (در منظومه شمسی) تعادل ایجاد نمود.»

نکات آیات: ۱- زمین و سیارات در ابتدا به هم متصل بوده اند، بعد از هم باز کرده شده و بلند کرده شده اند. ۲- میان سیارات ستونهای نامرئی وجود دارد. ۳- میان سیارات تعادل وجود داد.

۱- زمین و سیارات در ابتدا به هم متصل بوده اند و بعد از هم باز کرده شده و بلند کرده شده اند:

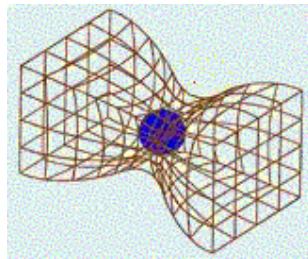


خورشید و سایر سیارات منظومه شمسی در ابتدا در کنار هم شکل گرفته بوده اند و بعدها از هم فاصله

گرفته اند. علت اینکه قرآن دور شدن آنها را "بلند کردن" آنها توصیف نموده

این است که بالای ما قرار دارند و دور شدن آنها

نسبت به ما حالت "بلند شدن و بالا رفتن آنها" دارد.



۲- میان سیارات ستونهای نامرئی وجود دارد:

سیارات منظومه شمسی با نیروی جاذبه که انسان آنها بصورت ستونهای از موج تصور می کند و به شکل ستون آنها رسم می کند با هم نگهداشته شده اند.

۳- میان سیارات تعادل وجود دارد:

علت کشیده نشدن سیارات بطرف همدیگر و یا هل ندادن همدیگر وجود نیروی جذب و دفع متعادل میان آنها است. مثلاً خورشید زمین را بطرف خود می کشد و زمین خود را از خورشید دفع می کند. نیروی کشش خورشید و دفع زمین و سایر سیارات در تعادل است.

وجود ۱۱ سیاره

قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ
یوسف ۴

«یوسف به پدر خود گفت: پدرم! من یازده سیاره دیدم و خورشید و ماه را دیدم که برای من سجده می کردند».

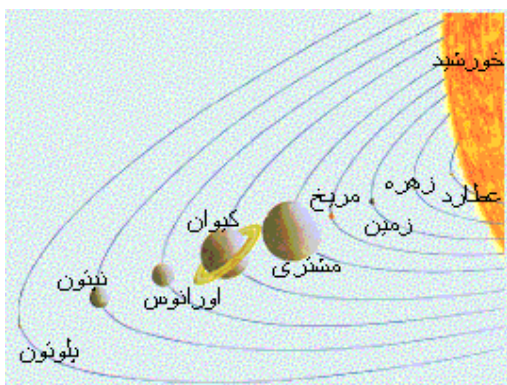
نکته آیه: یوسف ۱۱ سیاره دیده است:

"خورشید" و "ماه" که یوسف در خواب دیده پدر و مادر وی (که مادر وی در واقع خاله وی بوده) می باشد. و ۱۱ سیاره ۱۱ برادر وی می باشد، ولی دیدن ۱۱ سیاره الزاماً به این معنی است که یازده سیاره برای دیده شدن می بایست وجود داشته باشد.

در زمانی که یوسف این خواب را دیده (یعنی ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح)، تا زمان محمد و همینطور تا پیش از اختراع تلسکوپ، انسان فقط سیاراتی را که بچشم می دید می شناخت. یعنی عطارد، زهره، مریخ و مشتری.

هفتمین سیاره (اورانوس) در سال ۱۷۸۱ کشف شد — نپتون (هشتمین سیاره) در سال ۱۸۴۶ — و پلوتون (نهمین سیاره) در سال ۱۹۳۰. مجموع سیارات منظومه شمسی که فعلاً انسان آنها را می شناسد ۹ تا است.

در سال ۱۹۹۲ انسان یک سیاره یخی کوچکی را در



خارج از حومه پلوتون کشف کرد. و از آن پس ۱۵ سیاره کوچک دیگر را در همان نواحی پیدا کرده، ولی فعلاً مشغول بررسی آنهاست که آیا سیاره هستند یا چیز دیگری.

إِنَّ اللَّهَ يُمِيطُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا فَاطِر ۴۱

« خدا سیارات و زمین را نگه می دارد که فروپاشند، اگر فروپاشند کس دیگری غیر خدا نیست که بخواهد آنها را بگیرد. خدا خیلی بردبار است و مسائل را برای تعیین تکلیف شدن به آینده موکول می کند.»

همانطور که آیه مطرح کرده زمین و سیارات در واقع در مدار خود نگه داشته شده اند که فرو نمی پاشند. چیزیکه آنها را نگه داشته نیروی جاذبه و دافعه میان آنها و خورشید است. و اینکه آیه می گوید خدا آنها را نگه داشته جنبه مجازی دارد. به این معنی که قانون جاذبه و دافعه از طرف خدا وضع شده است. (هیچیک از علمی که ما در این کتاب از آن صحبت می کنیم در زمان محمد(ص) وجود نداشته است. و منظور از موکول نمودن مسائل به آینده برای تعیین تکلیف شدن " اینست که خدا به هر کسی و هر مردمی فرصت یک زندگی می دهد، و مجموع اعمال آنها را در نهایت حسابرسی می کند، و به خاطر ستمگری کسی یا کسانی یا حاکمیتی نظام هستی را به هم نمی ریزد و همه چیز را نابود کند).